

تأثر مولانا از دیگران

دکتر توفیق ه. سبحانی*

چکیده: در دیوان کبیر مولانا به هر دلیل که باشد، اشعاری از دیوان شاعران پیش از وی راه یافته است. به هر حال چون این شعرها از مولانا نیست، در این مقال سخنی از آن‌گونه اشعار به میان نمی‌آید. در میان اشعار مولانا شعرهایی هم به چشم می‌خورد که مولانا آشکارا آنها را از دیگر شاعران به طریق تأثر و دیگر گونه‌های تلمیح یا اقتباس از آن‌گونه گویندگان استفاده کرده است که بعضی از آنها تقریباً عین مضمون شاعران پیش از اوست.

کلیدواژه: مولانا جلال‌الدین، اشعار منسوب، تأثر، نحوه تأثر، شاعران تأثیرگذار.

مولانا جلال‌الدین شعر زیاد سروده و به نوشته مرحوم فروزانفر از «مکثرین» بوده است، اما به طور قطع بسیاری از اشعاری که در دیوان او به نام او ثبت کرده‌اند، از مولانا نیست. در میان آن ابیات، اشعاری از جمال‌الدین اصفهانی، شمس طبسی، انوری و سلطان ولد پسر می‌توان یافت. در این مقال فرض این نوع ابیات نیست. این قبیل اضافات در دیوان کبیر یا از محبت زیاد به مولانا یا به سبب عدم اطلاع و یا به آن منظور که وی را وابسته به مشرب و مذهب خود وانمود کنند، پیدا آمده است.

در بررسی دیوان کبیر به ابیات و مضامینی می‌توان برخورد که قبل از جلال‌الدین

محمد گویندگان دیگر هم آن مضامین را پرداخته‌اند. بررسی حاکی از آن است که مولانا در سرودن آن مضامین به آن گویندگان نظر داشته، گاهی به صراحت نام آن گویندگان را هم - اگر چه گاهی به خطا - قید کرده است. در این سطور نویسنده کوشیده است که به ترتیب کلیات شمس تبریزی به تصحیح مرحوم بدیع الزمان فروزانفر و شماره غزلیات همان تصحیح، با مطابقت آنها با دیوان کبیر، چاپ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، برخی از آن تأثرات را بیاورد:

(۱) غزل ۲۴۹ به مطلع / بیت ۱۷۶۹ ق:

دل بر ما شد دست دلبر ما گل ما بی حدست و شکر ما

سه بیت بعدی با ردیف و قافیۀ متفاوت از سنایی است. مولانا دو بیت از این غزل را در مجالس سبعه هم به کار برده است (مجالس، ص ۶۳). سنایی گفته است:

تو همیشه میان گلشکری زان دل تو قویست در بر تو
زهره دارد حوادث طبعی که بگردد به گرد لشکر تو
تو به پر می‌پری به سوی فلک زانکه عرشیت اصل و گوهر تو

(دیوان سنایی، ص ۱۰۹)

سه بیت زیر تقریباً بعینه از سنایی است:

ما همیشه میان گلشکریم زان دل ما قویست در بر ما
زهره دارد حوادث طبعی که بگردد به گرد لشکر ما؟
ما به پر می‌پریم سوی فلک زانکه عرشیت اصل جوهر ما

(۲) غزل ۴۲۶ / ب ۴۶۹۶ / ب ۶۳۱۲ ق:

مه نور می‌فشاند و سنگ بانگ می‌کند مه را چه جرم خاصیت سنگ چنین بدست
مضمون از سید حسن غزنوی است:

مه نور می‌فشاند و سنگ بانگ می‌کند مه را چه جرم خاصیت سنگ چنین فتاد

(فیہ مافیہ، ص ۲۹۲، به نقل از دیوان سید حسن غزنوی، تصحیح مدرّس رضوی، ص ۳۱-۳۲)

(۳) غزل ۴۸۱ / ب ۵۱۰۹ / ب ۸۴۸۰ ق:

نظیر آنکه نظامی به نظم می‌گوید جفا مکن که مرا طاعت جفای تو نیست

به رزم تصریح مولانا، مصراع دوم بیت از نظامی نیست، بلکه در مطلع غزلی از فرّخی سیستانی آمده است:

به حق آنکه مرا هیچکس به جای تو نیست جفا مکن که مرا طاققت جفای تو نیست
(دیوان فرّخی، دکتر دبیر سیستانی، ص ۴۳۳)

(۴) غزل ۷۰۶ به مطلع / ب ۱۹۶۷۸ ق:

روزم به عیادت شب آمد جانم به زیارت لب آمد
که هفده بیت دارد، با تفاوت‌هایی در دیوان خاقانی در هفت بیت به مطلع زیر دیده می‌شود:

روزم به نیابت شب آمد جانم به زیارت لب آمد
(دیوان خاقانی، مرحوم سجادی، ص ۶۰۴)

بیت دوم هر دو غزل همتا یکی است. بیت دوم در دیوان کبیر به صورت زیر است:

یار آمد و جام باده بر کف زان می که خلاف مذهب آمد
بیت سوم دیوان خاقانی چنین است:

عشق آمد و جام جام در داد زان می که خلاف مذهب آمد
نشابۀ در ابیات دیگر هم هست.

(۵) غزل ۷۸۱ به مطلع / ب ۳۱۱۱۲ ق:

در دلم چون غمت ای سرو روان برخیزد همچو سرو این دل من بی‌دل و جان برخیزد
مقطع این غزل چنانکه مولانا خود هم تصریح کرده، از مجیرالدین بیلقانی است:
این مجابات مجیرست در آن قطعه که گفت

بسر سرکوی تو عقل از سر جان برخیزد

غزل ۸۰۳ مولانا هم که بی‌تردید تحریر دیگری به کتابت کاتب دیگری است، عین همین اقتباس تکرار شده است. غزل ۸۰۳ یک بیت کمتر از غزل ۷۸۱ دارد.

(۶) غزل ۸۷۹ به مطلع / ب ۶۴۸۷ ق:

صبح آمد و صحیفه مصفول برکشید وز آسمان سپیده کافور بردمید
هتّا از کسای مروز می است:

صبح آمد و علامت مصقول برکشید وز آسمان شسمامه کسافور بسرمدید

(دیوان کسایی، محمّدامین ریاحی، ص ۷۲)

در ابیات دیگر هم شباهاتی هست.

(۷) غزل ۸۸۰ به مطلع / بیت ۶۶۰۷ ق:

صد مصر مملکت ز تعدّی خراب شد صد بحر سلطنت ز تطاول سراب شد
متأثر از قصیده معروف خاقانی است که در مرثیه امام محمّد یحیی و حادثه حبس
سنجر در فتنه غز به مطلع زیر سروده است:

آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد وان نبل مکرمت که شنیدی سراب شد

(دیوان خاقانی، پیشین، ص ۱۵۵)

بیت چهارم غزل مولانا چنین است:

وان دل که صد هزار دل از وی کباب بود در آتش خدای کنون او کباب شد
خاقانی گفته است:

سرو سعادت از تف خذلان زکال گشت اکنون بر آن زکال جگرها کباب شد
در دیگر ابیات هم تأثراتی است.

(۸) غزل ۹۷۳، مطلع غزل / ب ۱۷۸۹۸ ق:

صوفیان در دمی دو عید کنند عنکیوتان مگس قدید کنند

بیتی از حدیقه سنایی است (حدیقه، ص ۳۶۹، بیت ۱۲).

(۹) غزل ۹۹۶ به مطلع / ب ۱۶۹۰۴ ق:

گفت کسی خواجه سنایی بمرد مرگ چنین خواجه نه کارست خُرد

به تأثر از مرثیه‌یی است که رودکی در رثای ابوالحسن مرادی، شاعر بخارا، گفته بود:

مُرد مرادی نه همانا که مُرد مرگ چنان خواجه نه کارست خُرد

از مرثیه رودکی، هوفی دو بیت نقل کرده است. بیت دوم چنین است:

جان گرامی به پدر باز داد کالبد تیره به مادر سپرد

بیت ششم غزل مولانا بیت زیر است:

جان دوم را که ندانند خلق مقلطه گوییم به جانان سپرد

۱۰) غزل ۱۰۵۴ / ب ۱۱۱۲۱ / ق، مصراع اول از نظامی است:

آخر تو کجا و ما کجایم
ای بی تو حیات و عیش بیکار
نظامی گفته است:

آیا تو کجا و ما کجایم
تو زان کیی و ما ترایم

(لیلی و مجنون، وحید، ص ۲۱۳، بیت ۱۱)

۱۱) غزل ۱۰۶۹ / ب ۱۱۱۶۴ / ق، مصراع دوم، چنانکه مرحوم فروزانفر

هم احتمال داده، ظاهراً اشاره به بیت زیر از انوری است:

ایشیروا یا اهل نیشابور اذا جاء البشیر
کاندر آمد موکب میمون منصور وزیر

(دیوان انوری، مدّرس رضوی، ص ۲۴۲)

مولانا گفته است:

عارفا گر کاهلی آمد قران کاهلی
جاء نصرالله آمد ایشیروا جاء البشیر
۱۲) غزل ۱۱۴۲ / ب ۱۲۱۱۰ به مطلع / ب ۹۶۴۸ ق:

درخت اگر متحرک بدی به پا و به پر
نه رنج از کشیدی، نه زخم‌های تبر
باز با تغییر اندک برگرفته از بیت زیر انوری است:

درخت اگر متحرک شدی ز جای به جای
نه جور از کشیدی و نه جفای تبر

(دیوان انوری، پیشین، صفحه ۲۱۰)

۱۳) غزل ۱۱۶۴، مطلع غزل / ب ۱۱۰۹۱ ق:

خلق را زیر گنبد دوار
دیدها کور و دیدنی بسیار
هیناً پیتی است از حدیقه سنایی (حدیقه، پیشین، ص ۶۷۵ ب ۱۴).

۱۴) غزل ۱۴۰۰، مطلع غزل / ب ۱۸۲۳۶ ق:

عیسی روح گرسنه‌ست چو زاغ
از سنایی است، یا تغیر بسیار اندک:

عیسی جانت گرسنه‌ست چو زاغ
...
(حدیقه، پیشین، ص ۳۷۶ ب ۱۵)

۱۵) غزل ۱۵۵۰، مطلع / ب ۲۰۱۶۵ ق:

گر از غم عشق عار داریم
تضمینی از غزل زیر سنایی است:
پس ما به جهان چه کار داریم؟
نه سیم، نه دل، نه یار داریم

(دیوان، مدّرس، ص ۹۵۳)

(۱۶) غزل ۱۷۲۴، دو بیت زیر / آیات ۱۰۰۷۴-۱۰۰۷۵ ق:

همه جمال تو بینم چو چشم باز کنم
حرام دارم با مردمان سخن گفتن
همه شراب تو نوشم چو لب فراز کنم
و چون حدیث تو آید سخن دراز کنم
این دو بیت در اسرار التوحید و یک بیت آن در کشف الاسرار میبدی هم آمده است.
گوینده آن معلوم نیست. در اسرار التوحید به صورت زیر است:

همه جمال تو بینم چو دیده باز کنم
حرام دارم با دیگران سخن گفتن
همه تنم دل گردد چو با تو راز کنم
کجا حدیث تو آید سخن دراز کنم

(اسرار التوحید، دکتر شفیع، ج ۱، ص ۳۵)

در کشف الاسرار بیت چنین است:

همه تنم دل گردد چو با تو راز کنم
همه جمال تو بینم چو دیده باز کنم

(کشف الاسرار، حکمت، ج ۹، ص ۳۷۹)

(۱۷) غزل ۱۷۹۰ / ب ۱۸۷۴۷ / ب ۱۴۲۱ ق:

هم ساریان هم اشتران هستند از آن صاحبقران
ای ساریان منزل مکن جز بر در آن یارِ من
معلوم است که مصراع دوم تضمینی است از بیت زیر از قصیده معروف امیر معزی:
ای ساریان منزل مکن جز در دیار یارِ من تا یک زمان زاری کنم بر ریع و اطلاق و دمن

(دیوان امیر معزی، محمدرضا فنبری، ص ۵۲۴)

(۱۸) غزل ۱۸۸۶، مطلع، مصراع اول / ب ۵۸۲۴ ق:

نی نی به ازین باید با دوست وفا کردن
عیناً مطلع غزل از سنایی است:

نی نی به ازین باید با دوست وفا کردن
ورنه کم ازین باید آهنگ جفا کردن

(دیوان سنایی، پیشین، ص ۹۶۶)

۱۹) غزل ۱۹۷۴ به مطلع / ب ۱۲۷۰۳ ق:

ای چراغ آسمان و رحمت حق بر زمین ناله من گوش‌دار و درد حال من بین
تخلص «سنایی» دارد، اما در دیوان سنایی نیست. تخلص در بیت زیر است:

ای سنایی رو مدد خواه از روان مصطفی مصطفی ما جاء الآ رحمة للعالمین
این غزل در بحر رمل مشتمن است. در دیوان سنایی قصیده زیر در مدح پیامبر (ص) است:
ای گزیده مر ترا از خلق رب العالمین آفرین گوید همی بر جان پاکت آفرین

(دیوان، پیشین، ص ۵۵۳)

قصیده بر همان وزن است، اما آیات منقول در آن نیست. به هر حال به احتمال زیاد
غزل نقل شده از حکیم سنایی است.

۲۰) غزل ۲۰۱۲، آیات ۲۱۲۵۷ و ۲۱۲۵۸ مصراع‌های دوم / آیات ۱۴۵۷۲-۱۴۵۷۳ ق،
چنانکه مولانا خود هم تصریح کرده است، تضمین از دیوان حسین بن منصور حلاج است:

بهر تو گفتست منصور حلاج یا صغیر السن یا رطب البدن
شیر مست شهد تو گشت و بگفت یا قریب المهد من شرب اللبن

۲۱) غزل ۲۰۱۳ به مطلع / ب ۱۴۶۴۲ ق:

ساقیا برخیز و می در جام کن وز شراب عشق دل را دام کن
پنج بیت دارد، این غزل عیناً در هفت بیت در دیوان سنایی هم آمده است:

ساقیا برخیز و می در جام کن در خرابات خراب آرام کن
بیت دوم غزل در دیوان کبیر:

نام رندی را بکن بر خود درست خروشتن را لایبالی نام کن
در دیوان سنایی، بیت ششم چنین است:

نام رندی بر تن خود کن درست خروشتن را لایبالی نام کن
آیات دیگر هم تفاوت‌هایی با هم دارند.

۲۲) غزل ۲۰۳۳ به مطلع / ب ۲۹۸۹ ق:

جانا نخست ما را مرد مدام گردان وانگه مدام درده ما را مدام گردان

با تغییر بسیار اندک در مصراع دوم، عیناً از سنایی و چنین است:

وانگه مدام درده مست مدام گردان.

بیت سوم غزل مولانا به صورت زیر است:

دارالسلام ما را دارالملام کردی
دارالملام ما را دارالسلام گردان
بیت سوم سنایی به صورت زیر:

دارالغرور ما را دارالسلام کردی
دارالملام ما را دارالسلام گردان
در ابیات دیگر هم تشابه کم نیست.

غزل (۲۳) ۲۱۸۱، آخرین مصراع مقطع غزل / ب ۲۵۹۴۹ ق، مصراعی از متنبی است:
خمش از پارسی تازی بگویم
بیت کامل در دیوان متنبی به صورت زیر است:

فرواڈ ما تَسْلِيَه المدام و عُمَرُوْ مَثَل ما تَهَبُ اللثام

(العرف الطیب، دارالعلم، ص ۹۶)

غزل (۲۴) ۲۱۹۹، مطلع غزل / ب ۱۲۹۳۰ ق:

ای سنایی عاشقان را درد باید درد کو
بار جور نیکوان را مرد باید، مرد کو؟
مطلع قصیده‌یی از سنایی است:

ای سنایی عاشقی را درد باید، درد کو
بار حکم نیکوان را مرد باید، مرد کو

(دیوان، پیشین، ص ۵۷۷)

غزل (۲۵) ۲۵۰۸ / ب ۲۶۵۳۸ / ب ۲۳۷۸۲ ق:

سراندازان، سراندازان، سراندازی، سراندازی

مسلمانان، مسلمانان، مسلمانی، مسلمانی

مصراع دوم، مصراع اول قصیده‌یی از سنایی است:

مسلمانان، مسلمانان، مسلمانی، مسلمانی

ازین آیین بی‌دینان، پشیمانی پشیمانی

(دیوان، ص ۶۷۸)

غزل (۲۶) ۲۸۱۳، مطلع و بیت دوم / ب ۳۳۰۱۴-۳۳۰۱۳ ق از حسین بن منصور

حلاج است:

و ممانی فی حیاتی و حیاتی فی ممانی
 هله بشکن قفص ای جان چو طلبکار نجاتی

بوی یار مهربان آید همی

یاد یار مهربان آید همی

آب دریا تا میان آید همی

خنگ ما را تا میان آید همی

نرم نراز پرنیان آید همی

زیر پایم پرنیان آید همی...

(گزیده اشعار رودکی، شعار - انوری، ص ۷۵)

اقتلونی یا ثقاتی ان فی قتلی حیاتی
 اقتلونی ذاب جسمی مدح القهوه قسمی

(۲۷) غزل ۲۸۹۷ به مطلع / ب ۱۵۰۳۰ ق:

بوی باغ و گلستان آید همی

ناظر به قصیده معروف رودکی است:

بوی جوی مولیان آید همی

در بیت دوم دیوان کبیر:

از نثار جوهر یارم مرا

رودکی: آب جیحون از نشاط روی دوست

دیوان کبیر: با خیال گلستانش خار زار

رودکی: ریگ آموی و درشتی راه او

(۲۸) غزل ۲۹۸۷ به مطلع / ب ۷۶۵۲ ق:

ای جان و ای دو دیده بینا چگونه‌ای؟

وی رشک ماه و گنبد مینا چگونه‌ای؟

به احتمال قوی، این غزل که حال و هوای قصیده مسعود سعد سلمان را دارد، ناظر به

قصیده مسعود سروده است:

ای لاهور و یحک بی من چگونه‌ای

بی آفتاب روشن روشن چگونه‌ای؟

مولوی: ای ما صد چوما، ز بی تو خراب و مست

ما بی تو خسته‌ایم، تو بی ما چگونه‌ای؟

مسعود سعد: تو مرغزار بودی و من شیر مرغزار

با من چگونه بودی و بی من چگونه‌ای؟

مولوی: زان گلشن لطیف به گلخن فتاده‌ای

با اهل گو سخن به مواسا چگونه‌ای؟

مسعود سعد: در باغ تو شکفته بگردی همی نظر

وز بیم رفته در دم گلخن چگونه‌ای؟

(دیوان مسعود سعد، رشید یاسمی، ص ۴۹۳)

(۲۹) غزل ۳۱۲۹، دو بیت عربی:

رَضِیْتُ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لِي...

از قاضی تنوخی است.

این دو بیت در معارف سید برهان‌الدین محقق ترمذی هم به کار رفته است. مرحوم فروزانفر گوینده ابیات را به شهادت افضل‌الدین خاقانی که تقریباً دو بیت عربی را در دو بیت زیر ترجمه کرده:

یک مشت خاکی از چه در بند کاخ و کوخی برگ از خدا طلب کن، بگذار شاخ شوخی
 نیکوت داشت اول و نیکوت دارد آخر آن بیت معتقد ساز از گفته تنوخی
 ابوالقاسم علی بن محمد قاضی تنوخی (م ۳۴۲ هـ) یا مُحَسَّن بن علی، پس روی دانسته
 که او نیز شغل قضا داشته است.

(معارف، برهان‌الدین، فروزانفر، ص ۱۷۶-۱۷۷)

(۳۰) غزل ۳۱۵۷، مطلع و بیت دوم / ابیات ۱۸۶۰۸-۱۸۶۰۷ ق با تغییر اندک از رشید و طواط است:

آنکه چون ابر خواند کف ترا کسرد بیداد بر خسردمندی
 او همی گرید و همی بسخشد تو همی بخشی و همی خندی
 (کلیات شمس، بانوشت غزل)

(۳۱) از دو رباعی ۱۵۲ و ۱۵۳ / رباعی ۱۲۶۶ ق که تقریباً یکی هستند، یک بیت در اسرارالتوحید، محمد بن متور نقل شده. رباعی ۱۵۲ چنین است:

برکان شکر چند مگس را غوغاست کسی کان شکر را به مگس‌ها پرواست
 مرغی که بر آن کوه نشست و برخاست بنگر که در آن کوه چه افزود و چه کاست
 بیت دوم در اسرارالتوحید به صورت زیر است:

مرغی به سر کوه نشست و برخاست بنگر که از آن کوه چه افزود و چه کاست
 (اسرارالتوحید، ج ۱، ص ۱۴۸، ج ۲، ص ۷۸۸ و ۵۴۸)

* * *

جهت تفسیر ذاته دو تأثر کوتاه حافظ و سپهری را از شعر مولانا عرضه می‌کنم:

(۱) غزل ۳۴۲ / ب ۳۶۹۸ / ب ۲۴۲۶۵ ق:

گرو کردی به می دستار و جبه سسزای جبه و دستار اینست

غزل ۱۰۴۵ / ب ۲۰۱۱۰ / ب ۲۴۷۹۳ ق:

بگیر این دلق اگرچه وام دارم گرو کن زود، بستان وام دیگر
حافظ گوید:

در همه دیر مغان نیست چو من شیدایی خرقه جایی گرو بساده و دفتر جایی
(دیوان، قزوینی، ص ۳۲۹)

تیو: دمی با غم به سر بردن جهان یکسر نمی‌ارزد به می بفروش دلق ما، کزین بهتر نمی‌ارزد
(دیوان، همان، ص ۱۰۳)

غزل ۲۸۲ / ب / ۵۱۲۰ (مقطع) / ب ۸۶۵۳ ق:

اذان فاخته دیدیم و قامت اشجار خموش کن که سخن شرط نیست وقت صلوات
سپهری:

من نماز را وقتی می‌خوانم
که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو
من نماز را، پی تکبیرة الاحرام علف می‌خوانم
پی «قد قامت» موج...

(هشت کتاب، صدای پای آب، ص ۲۷۲-۲۷۳)

کتابشناسی

- امیر معزی نیشابوری (۱۳۸۵): کلیات دیوان، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمدرضا قنبری، تهران، زوار.
- انوری، اوحدالدین (۱۳۶۴): دیوان، به اهتمام محمدتقی مدرّس رضوی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد (بی تا): دیوان، به اهتمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی، تهران، زوار، تاریخ مقدمه ۱۳۲۰ شمسی.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی نجّار (۱۳۵۷): دیوان، با مقابله قدیم‌ترین نسخ و تصحیح و مقدمه و تعلیقات، به کوشش مرحوم ضیاء‌الدین سجّادی، تهران، زوار، چاپ دوم.
- رودکی، (۱۳۷۳): گزیده اشعار، انتخاب و شرح مرحوم جعفر شعار و حسن انوری، نشر علم.

- سپهری، سهراب (۱۳۵۸): هشت کتاب، تهران، طهوری، چاپ دوم.
- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۵۹): حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، تهران، دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۶۲): دیوان، با مقدمه و حواشی و فهرست به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران، سنایی.
- فزخی سیستانی (۱۳۴۹): دیوان، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، زوار.
- کسای مروز (۱۳۶۷): زندگی، اندیشه و شعرا، تألیف و تحقیق محمدامین ریاحی، تهران، توس.
- محقق ترمذی (۱۳۷۷): معارف، مجموعه مواعظ و کلمات سید برهان الدین محقق ترمذی به همراه تفسیر سورة محمد و فتح، تصحیحات و حواشی بدیع الزمان فروزانفر، مرکز نشر دانشگاهی.
- محمد بن منور بن ابی سعد بن ابی طاهر بن ابی سعید میهنی (۱۳۶۶): اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگاه، بخش ۱-۲.
- مسعود سعد سلمان (۱۳۶۲): دیوان، به تصحیح مرحوم رشید یاسمی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
- مولوی بلخی، جلال الدین محمد (۱۳۸۶): دیوان کبیر، از روی نسخه قونیه، به کوشش توفیق ه. سبحانی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۸): کلیات شمس یا دیوان کبیر، با تصحیحات و حواشی بدیع الزمان فروزانفر، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم.
- _____ (۱۳۸۴): نیه ما فیہ، تصحیحات و حواشی بدیع الزمان فروزانفر،؟ چاپ دهم.
- ناصیف الیازبجی (بی تا): العرف الطیب فی شرح دیوان ابی الطیب، بیروت، دارالقلم.
- نظامی گنجوی (بی تا): لیلی و مجنون، با حواشی و تصحیح و شرح لغات و ابیات و... مرحوم وحید دستگردی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.